

ایران در هفته‌ای که گذشت!

(ویژه نامه ۸ مارس در ایران)

(۳۰)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

مقدمه

۸ مارس امسال، روز هبستگی بین‌المللی زنان، برای اولین‌بار تا حدودی در سطح علنی و گسترده‌ای در ایران برگزار شد و تنها به برگزاری جشن‌هایی در سالن‌های دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و محلات به صورت نیمه مخفی محدود نشد. ۸ مارس، در سطح کشور، در پارک‌ها و میادین شهرها و در سالن‌های رسمی و علنی با حضور ده‌ها هزار زن و مرد برابری طلب برگزار گردید. با هر کمبود و نقصانی باید برگزاری این روز را در حاکمیت خونین و ضدزن جمهوری اسلامی، پیشرفت بزرگ و رشد و آگاهی طبقاتی زنان محسوب کرد که در اثر سال‌ها مبارزه سخت و دشواری بر این رژیم جانی کسب شده است.

از این رو با در نظر گرفتن مضمون شعارها و محتوای سخن‌رانی‌ها می‌توان به ارزیابی آن‌ها پرداخت. همچنین باید تاکید کرد که برگزاری چنین روزی در ایران، نه از سوی جناح‌ها رژیم و دار و دسته‌های جناح دوم خرداد، بلکه اساساً در مخالفت با کل موجودیت جمهوری اسلامی دانست. هر چند نباید سوءاستفاده جناح‌های رژیم از این حرکت‌های اجتماعی را از نظر دور نگاه داشت.

اساساً ۸ مارس روز جهانی زن، روز اوج پیکار جهانی بر علیه همه آن ستم‌هایی است که در سیستم‌های سرمایه‌داری بر زنان اعمال می‌شود. بنابراین در جامعه کنونی ایران، بدون مبارزه بر علیه مردسالاری، مذهب و ناسیونالیسم، یعنی این گرایش‌ها کهنه و پوسیده سرمایه‌داری نمی‌توان مبارزه‌ای جدی و پی‌گیری را در راستای بهبود شرایط زنان و برابری واقعی زن و مرد سازمان‌دهی کرد. همان‌طور که در پایین خواهیم دید، بخش عظیم شعارها و سخن‌رانی‌های روز ۸ مارس در ایران را باید در راستای خواسته‌ها و مطالبات برابری زن و مرد، بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و حتا بر علیه گرایش‌ها ناسیونالیست ایرانی در خارج کشور مانند سلطنت‌طلبان دید.

بدین ترتیب تا آن‌جا که امکان دارد با نگاهی به مضمون شعارها و سخن‌رانی‌ها می‌توان به این ارزیابی نسبی رسید که برگزاری ۸ مارس امسال، ریشه در مبارزه ۲۴ ساله زنان و مردان برابری طلب و کارگران بر علیه حاکمیت

جنایت‌کارانه و آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی دارد. یعنی برگزاری این روز عزیز بر این رژیم جانی تحمیل شده است. در نتیجه باید این حرکت را دستاوردی برای زنان، کارگران، کمونیست‌ها، جوانان، بازنشستگان و آزادی‌خواهان ارزیابی کرد.

مراسم‌های ۸ مارس در تهران

تعدادی از زنان، به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن، تحت عنوان «روز همبستگی و پیکار زنان برای حقوق برابر، صلح و عدالت»، در پارک لاله تهران برگزار کردند.

به گزارش خبرگزاری‌های ایران، این تجمع کنندگان پلاکاردهایی با شعار «دمکراسی یعنی صلح، نه سلاح»، «جنگ و خشونت، زنان، کودکان و محیط زیست را به نابودی می‌کشاند»، «پیوستن بدون قید و شرط به کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان» و... در دست داشتند.

خانم نوشین خراسانی، اولین سخن‌ران این تجمع بود. وی، پس از محکوم کردن جنگ آمریکا، علیه عراق گفت: چگونه روز ۸ مارس را تبریک بگوییم وقتی سیاست‌های بانک جهانی این جا هم اجرا می‌شوند و ما می‌دانیم که زنان اولین قربانیان تعدیل اقتصادی هستند و سیاست‌های بانک جهانی فقر بیش‌تر برای زنان به همراه دارد. چگونه شادباش بگوییم وقتی دو سوم کار در جهان را زنان انجام می‌دهند و تنها ۵ درصد درآمدها را به خود اختصاص می‌دهند. چگونه شادباش بگوییم وقتی دختر ۹ ساله را به اذن پدر شوهر می‌دهند.

سخن‌ران دیگر خانم شیرین عبادی حقوق‌دان و مبارز راه احقاق حق انسانی و اجتماعی زنان و کودکان، در جمع تجمع‌کنندگان با تاکید بر این که زنان در صورت داشتن حق حیات خود، حقوق اجتماعی‌شان را کسب خواهند کرد، گفت: سخن گفتن از صلح و عدالت هنگامی جنگ بر سر جهانیان سایه افکنده، بسیار سخت است.

وی با بیان این پرسش که «این کدام مردانند که می‌جنگند و زنان به واسطه آن آسیب می‌پذیرند؟»، افزود: مردان برای قدرت می‌جنگند، در حالی که به تبع آن خانه‌ها را زن خراب کرده و آن‌ها را در گم‌نامی میان آوارها پنهان می‌سازند.

شیرین عبادی در بخش دیگری از سخنانش، با تاکید بر این که فرهنگ مردسالار تنها خواست مردان نیست، خاطرنشان کرد: فرهنگ مردسالار زن معیوبی است که از زنان به مردان به ارث می‌رسد، بنابراین اگر زنان خود خواهان از بین بردن این فرهنگ نباشند، تغییری در بهبود شرایط خود نخواهند دید.

شیرین عبادی، همچنین به ریاکاری جمهوری اسلامی نیز اشاره کرد و گفت: در گزارش نماینده دولت ایران به کمیسیون بین‌المللی مقام زن در سازمان ملل عنوان شده که در ایران خانه‌های امن تشکیل شده در حالی که چنین اتفاقی نیفتاده است.

خانم عبادی در پایان سخنانش افزود: گفتنی است، پایان بخشیدن به جنگ و حمایت از زنان و کودکان عراقی، به سکوت واداشتن صاحبان جنگ و خشونت، کمک به قربانیان ایدز، تجاوز و تعصبات جنسی، رفع مشکلات زنان افغان، اصلاح حقوق خانواده، حل معضل طلاق و... از جمله مسائلی بود که از سوی نمایندگان این عده از زنان شرکت‌کننده در تجمع مطرح شد.

در طول برگزاری مراسم ۸ مارس در میدان لاله، مأمورین انتظامی تمام محوطه را در محاصره خود داشتند و پس از پایان مراسم نیز اجازه ندادند کسی در پارک بماند.

در مراسم دیگری نیز که در فرهنگسرای شفق تهران، برگزار شد، شرکت‌کنندگان یک قطعنامه ۱۲ ماده‌ای را به تصویب رساند. این دوازده ماده عبارتند از:

- ۱_ پیوستن بی‌قید و شرط ایران به کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض از زنان
- ۲_ نقد ساختار مردسالار خانواده در حقوق، فرهنگ و در تمامی عرصه‌ها
- ۳_ داشتن حق طلاق و حضانت فرزندان
- ۴_ تاسیس خانه‌های امن و تلفن بحران برای زنان خشونت دیده
- ۵_ رفع تمامی تبعیض‌های فرافقانونی
- ۶_ محکومیت برای مقصران قتل‌های ناموسی
- ۷_ لغو قانون مربوط به تمکین بی‌قید و شرط زنان
- ۸_ لغو قانون مربوط به ریاست مرد بر خانواده
- ۹_ حذف خط‌کشی‌های جنسیت‌مدار برای ورود زنان به تمامی عرصه‌ها و مناسب‌مدیریتی
- ۱۰_ امکانات فرهنگی و ورزشی برای زنان در شهرستان‌ها و حتماً روستاهای کشورمان
- ۱۱_ برابری کامل شغلی برای زنان
- ۱۲_ ورود روز جهانی زن، ۸ مارس به تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران

مراسم‌های ۸ مارس در دیگر شهرهای ایران، از جمله کردستان نیز برگزار شد. در شهر سنندج، هزاران نفر به استقبال این روز رفتند. حضور فعال زنان و جوانان و مردم معترض این شهر، عوامل رژیم را شدیداً به وحشت انداخت و نیروهای سرکوب‌گر را نیز به حال آماده‌باش درآوردند. آن‌ها به شکل رادیکال، بر علیه آپارتاید جنسی و تبعیض و نابرابری زنان و سیاست‌های ضدزن و ضدانسانی جمهوری اسلامی تجمعات مختلفی را ترتیب دادند.

چند نمونه از سیاست‌های غیرانسانی رژیم، بر علیه زنان

کلیه قوانین و سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی از جمله قانون اساسی و مقررات اداری، همگی بر بی‌حقوقی زن در ایران را به طور سیستماتیک و سازمان‌یافته‌ای رسمیت می‌دهند و زندگی مشقت‌بار و دشواری را بر زنان تحمیل می‌کنند. در این جا فقط به چند نمونه از وحشی‌گری‌های جمهوری اسلامی اشاره می‌کنیم.

بنا به اقرار مسئولان جمهوری اسلامی، هم اکنون در برابر ۳۸ هزار و ۵۳۰ مدیر مرد کشور، تنها یک هزار و ۱۸۶ مدیر زن وجود دارد که نسبت این زنان مدیر، به کل جمعیت زنان ۱۷ درصد است. بیش‌ترین میزان زنان مدیر کشور، در وزارت بهداشت و درمان و خدمات پزشکی با ۱۰/۴ درصد و کم‌ترین آن در وزارت نفت با ۵۵ صدم درصد است. در

حالی که در سال ۱۳۶۵ نرخ باسوادی در زنان شامل ۳۶ درصد از آنان می‌شد، اما در سال ۱۳۷۶، این نرخ به ۷۴ درصد و در برخی از مناطق شهری از مرز ۸۲ درصد نیز فراتر رفت.

اگر همین دو نمونه را در سطح مدیریت و تحصیل زنان مورد مقایسه قرار دهیم به سادگی می‌بینیم که رژیم جمهوری اسلامی، واقعا با تمام قوا مانع دخالت زنان در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شده است. در این میان وضعیت زنان کارگر و خانه‌دار بی‌نهایت دردناک و غیرقابل تحمل است. لغو سیستم آپارتاید جنسی و تبعیض و جبران این فاصله عظیمی که رژیم، بین زن و مرد به وجود آورده است، با سیاست‌های ((فطره چکانی)) برای احقاق حقوق زنان، ثمربخش نیست، مگر این که به طور جدی دست به روابط و مناسبات بورژوازی برد و موجودیت رژیم جمهوری اسلامی را زیر سؤال برد.

از سوی دیگر امروز مقوله فرار دختران، یک معضل بزرگ در جامعه ایران است. این دختران، به دلیل این که در خانواده مورد تحقیر و توهین و شکنجه بدنی و جسمی قرار می‌گیرند و اجبارا از محیط خانواده فرار می‌کنند، این بار در دام باندها و عوامل رژیم و دیگر شبکه‌های مافیایی گرفتار می‌گردند. آخوند حسینی، جانشین معاون اجتماعی ((ناجا))، در این باره می‌گوید: ((بنا بر تحقیقات این نیرو، ۸۰ درصد دختران فراری در سنین بالا، با خانواده‌های مرفه و متوسط به بالای جامعه تعلق دارند و کم‌رنگ شدن زشتی ارتباط نامشروع با جنس مخالف در بین خانواده‌های مرفه، از اصلی‌ترین علل فرار این دختران است)). (روزنامه همشهری، ۱۲ اسفند ۱۳۸۱)

همچنین بنا به گزارش ایسنا، در همایش ((توانایی‌های زنان ایران))، گفته شده است که بیش از ۸۳ درصد زنان سرپرست خانوار، فاقد شغل می‌باشند. ۶۶ هزار زن، خانواده خود را با میانگین مستمری ماهیانه ۱۵ هزار تومان سرپرستی می‌کنند. براساس نتایج یک تحقیقی، منبع اصلی تامین مخارج ۶۵ درصد زنان سرپرست خانوار، کار اعضای خانواده و یا حقوق بازنشستگی و مستمری بازماندگان است و ۳۵ درصد بقیه با استفاده از مستمری نهادها و سازمان‌های حمایتی با کمک بستگان و افراد خیرخواه امرار معاش می‌کنند.

این چند نمونه به روشنی نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی، تا چه اندازه زنان را از عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی دور نگاه داشته و تا حدودی فقر و فلاکت بی‌سابقه‌ای را بر میلیون‌ها انسان تحمیل کرده است.

جمع بندی

همان طوری که از شعار و مضمون سخن رانی برمی‌آمد، اکثریت آن‌ها در راستای اهداف کارگران و کمونیست‌ها، یعنی در برقراری برابری واقعی زن و مرد در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. این شعار و مطالبه هیچ حکومت بورژوایی، به ویژه از نوع دیکتاتوری‌های رژیم‌های ایران و عربستان سعودی و یا ناسیونالیست‌هایی مانند رژیم سرنگون شده پهلوی و یا طرفداران امروزی آن در اروپا و آمریکا نیز نیست. مضمون کلی شعار و سخن رانی‌های ۸ مارس، بر علیه ستم بر زنان و بر علیه مذهب و ناسیونالیسم بوده است. منظور این نیست که در حاکمیت خونین جمهوری اسلامی، شعار سرنگونی و یا مستقیما علیه قوانین مذهبی داد، بلکه باید مضمون و جهت‌گیری آن را در نظر گرفت. به طور مثال مضمون بحث‌های سخن‌ران‌ها و شعارهای تجمع‌کنندگان پارک لاله، مانند ((ما می‌خواهیم در شهرهایمان انسانی به جرم زن بودن از خود بودن محروم شود، ما نمی‌خواهیم

که در پشت دیوار خانه‌ها، زنان کتک بخورند و پناهی نداشته باشند... زنان و کودکان همیشه اصلی‌ترین قربانیان جنگ بوده‌اند، از این رو زنان ایران جنگ در هر نقطه‌ای از دنیا را محکوم می‌کنند...».

«نقد ساختار مردسالار، خانواده در حقوق، فرهنگ و تمام عرصه‌ها»، «داشتن حق طلاق و حضانت فرزندان» و تاسیس خانه‌های امن و تلفن بحران برای زنان خشونت دیده» نه خواست مذهب‌یون و نه نه ناسیونالیست‌هاست. نقد «ساختار مردسالاری در حقوق و فرهنگ و تمام عرصه‌ها»، کلیه ایدئولوژی اسلامی و قوانین آن که برگرفته از قرآن و دیگر کتب اسلامی است، زیر سؤال می‌برد. یا «زنان ایران در هر نقطه‌ای از دنیا را محکوم می‌کنند»، شعار سلطنت‌طلبان و ناسیونالیست‌های ایرانی نیست. زیرا که طرفداران احیای سلطنت در ایران، چشم به زبان گروهبان‌ها و افسران و سخن‌گویان کاخ سفید و بوش دوخته‌اند که آن‌ها هر چه می‌گویند این‌ها مترجمین فارسی زبان آن باشند و شعار پیش به سوی جنگ را می‌دهند. بنابراین ۸ مارس امسال جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست را مایوس و سرخورده ساخت. زنان امسال در میدان لاله و شهرهای دیگر زنگ خطر را برای جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست به صدا درآورده‌اند و نشان دادند که خودشان می‌خواهند مستقیماً حاکم بر جسم و تاریخ و زندگی سیاسی، اجتماعی و خصوصی‌شان باشند و کم‌ترین جایگاهی را دیگر برای خرافات مذهبی و ملی باقی نمی‌گذارند. آینده از آن برابری‌طلبان و انسان‌دوستان، از آن ضد جنگ‌ها، ضد سرمایه‌داران و استثمارگران و از آن مخالفین هر گونه ستم جنسی و اجحاف بر زنان است.

به علاوه مهم‌تر از همه رژیم پهلوی، روز ۸ مارس را اکیداً ممنوع بود و روز تولد «ملکه؟!») را روز زن نامید و جمهوری اسلامی نیز روز تولد «فاطمه» را به عنوان روز زن مطرح کرد. بنابراین آشکار است که هر دوی این رژیم‌هایی که عقب مانده‌ترین گرایشات بورژوازی، یعنی رژیم پهلوی گرایش ارتجاعی ناسیونالیسم را نمایندگی می‌کرد و جمهوری اسلامی گرایش مذهبی را که زن را به عنوان انسان کامل به رسمیت نمی‌شناسد و اساساً هر دوی این رژیم‌ها آبخور ایدئولوژیکی‌شان تفاوت چندانی با هم ندارند و دشمن روز ۸ مارس و آزادی و برابری واقعی زن و مرد هستند. ناسیونالیسم زن را جزو اموال و مایملک خود می‌بیند و مذهب زن را به عنوان انسان مستقل به رسمیت نمی‌شناسد. در نتیجه هر دوی این گرایش بورژوازی، مرد را برتر می‌دانند و هویت مستقل انسانی زن را به رسمیت نمی‌شناسند.

بدین ترتیب مطالبات مطرح شده در ۸ مارس ۲۰۰۳ در ایران، نباید در این روز عزیز متوقف شود، بلکه استارت آن این روز زده شده است و تا برآورده شده آن‌ها باید هر روز تلاش کرد. بی‌شک تحمیل هر ذره‌ای از این مطالبات به رژیم جنایت‌کار جمهوری اسلامی، نه تنها به نفع کل بشریت است و باید برای آن با تمام وجود مبارزه کرد، بلکه راه را برای سرنوشتی این رژیم و برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و انسانی هموار می‌سازد. پس برای ما انسان‌های آزادی‌خواه، کارگران، کمونیست‌ها و جوانان، بدون در نظر گرفتن جنسیت و ملیت، هر روز را باید با تحرک و شور و شوق مبارزاتی ۸ مارس در پیکاری پی‌گیر بگذرانیم.

۸ مارس را به کارگران، کمونیست‌ها و همه انسان‌های آزادی‌خواه شادباش می‌گوییم!